

هرچند خشم و نفرت به حکومت اسلامی را درک می‌کنم، اما فحش و توهین به رأی‌دهندگان را به شدت محکوم می‌نمایم

تقدیم به شیرین ل. و حمید ص. که نگران آسیب‌زدن فحاشان و هتاکان به جنبش مردم ما هستند.



مردم ما یک بار دیگر در ۸ تیر ۱۴۰۳ به نظام ولایت مطلقه فقیه یک «نه»ی بزرگ گفتند. رژیم با همه‌ی ترفندهایش توانست تنها بخشی از مردم نا آگاه و بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان حکومتی و استمرارخواه را بفریبد. رژیم محافظه‌کارترین عنصر اصلاح‌طلبان را به میدان آورد تا با ایجاد امید به اصلاحات مردم را به پای صندوق‌ها بیاورد. افراطی‌ترین عناصر اصول‌گرایان را به میدان آورد تا مردم از ترس افعی اصول‌گرایان به مار اصلاح‌طلبی محافظه‌کار و استمرارخواه پناه ببرند. نتایج انتخابات نشان داد، مردم ما قاطعانه به نظام و انتخاباتش که آزاد نیست، با پیامی گویاتر از پیش نه گفتند.

«نه»ی مردم ما به حکومت اسلامی، نظام ولایت مطلقه فقیه و حکومت مبتنی بر شریعت اسلامی این بار از «نه»های دو انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و مجلس ۱۴۰۳ صریح‌تر و قاطع‌تر بوده است.

آسیب فحاشی و هتاکی به جنبش

شوربختانه در مخالفت به رأی دادن برخی ایرانیان خارج از کشور گیری عده‌ای به فحاشی و هتاکی به رأی‌دهندگان در حوزه‌های رای‌گیری پرداختند. هرچند من خشم و نفرت این افراد را به رژیم فاشیستی، زن‌ستیز، متجاوز، سرکوبگر و کودککش، درک می‌کنم، اما، فحاشی، ناسزاگویی، توهین و هتاکی به انسان در شان، منزلت و منطق انسان دوستانه جنبش براداری نبود. فحش‌های رکیک جنسیت‌زده‌ی این عده در شان، منزلت و منطق جنبش «زن، زندگی، آزادی» و کرامت بی‌کران این جنبش به زن، نبود. ما در مبارزه برای سرنگونی رژیم به سطح نازل حکومت اسلامی و طرفدارانش سقوط نمی‌کنیم.

مبارزه ما با حکومت اسلامی برای کرامت انسان، نگاه ضد زن و جنسیت‌زده و عدم آزادی است. توهین، هتاکی، تحقیر، ناسزاگویی و مرگ‌برگویی حکومت اسلامی از ذات تمامیت‌خواه و ضدانسانی آن سرچشمه می‌گیرد، اما نیرویی که

می‌خواهد با این پلیدی‌ها مبارزه کند، نیازی به دشنام‌گویی ندارد، افشای رفتار و کردار حکومت اسلامی، زشت‌ترین ناسزا است.

توهین، تحقیر و ناسزاگویی، تأثیرات روانی منفی بر مردم دارد، و باعث دلهره، اضطراب، ناشکیبایی، خشم و بی‌اعتمادی مردم می‌شود و به کاهش انگیزه و مشارکت مردم در فعالیت‌های سیاسی منجر می‌شود.

توهین‌ها و ناسزاها هیچ عنصر آگاهی‌بخش و افشاگرانه ندارند. روابط بین افراد و گروه‌های مختلف را تخریب می‌کنند، مردها و قشر خاکستری را می‌ترسانند و مانع از تعامل و همکاری‌های سازنده برای دستیابی به اهداف مشترک می‌شوند.

زمانی که یک مبارزه سیاسی توهین می‌کند، ناسزا می‌گوید، تهدید می‌کند و یا زشت‌تر از همه حمله فیزیکی می‌کند، پیام‌ها و ایده‌های اصلی جنبش ضد فاشیست مذهبی در میان هیاهوی کلمات ناپسند گم می‌شود، ما را در سطح حکومت اسلامی تنزل می‌دهد و پیام ما به درستی به مردم منتقل نمی‌شود.

فحش دادن، ناسزاگویی، توهین کردن و هتاکی در مبارزه سیاسی تأثیرات منفی جبران ناپذیری دارد. مبارزه ما برحق است. ما نیازی به توهین کردن نداریم. هتاکی، توهین و تحقیر و کاربرد واژه‌های رکیک، از اعتبار و مشروعیت مبارزه سیاسی ما می‌کاهد. مردم کسانی را که این زبان را بکار می‌برند، جدی نمی‌گیرند و حتی از آنها وحشت دارند و نگران آینده کشور می‌شوند.

فحش دادن و ناسزا گفتن تنش‌ها را افزایش می‌دهد و شکاف‌ها در جامعه را ژرف‌تر می‌کند. چنین زبانی به قطب‌بندی شدیدتر اجتماعی و سیاسی می‌انجامد و گفت‌وگوهای سازنده را در جامعه دشوارتر می‌کند.

مردم و رسانه‌ها و به توهین، هتاکی و اهانت حساس هستند، بیشتر توجه می‌کنند و به‌درستی با آن برخورد منفی دارند. این امر باعث می‌شود که پیام‌های اصلی مبارزه سیاسی با فرمایشی و مهندسی بودن و عدم آزادی انتخابات در سایه قرار گیرد، رژیم فاشیستی تبریئه و بر ناسزاها و توهین‌ها تمرکز شود.

ناسزا گفتن و توهین کردن نشان‌دهنده فقدان اخلاق سیاسی و عدم احترام به اصول و ارزش‌های دموکراتیک و احترام به کرامت بی‌کران انسان است. ما باید به اصولی که برای آن مبارزه می‌کنیم همواره پایبند باشیم. فقدان اخلاق سیاسی و عدم احترام به انسان مردم را می‌رماند، از سیاست و مبارزات سیاسی بیزار می‌کند و به نفع حکومت اسلامی است.

چه باید کرد؟

استفاده از زبان مودبانه و محترمانه، احترام به کرامت انسان و حفظ حریم خصوصی مردم در مبارزات سیاسی ما، نه تنها به حفظ اعتبار و مشروعیت مبارزه ما کمک می‌کند، بلکه به تقویت روابط ما با مردم و افزایش تأثیرگذاری پیام‌ها ما منجر می‌شود.

جارو برقی جنبش باید همواره روشن باشد، افراطی‌های چپ و راست، هتاکان، توهین‌کنندگان، افترازنندگان، پایمال‌کنندگان کرامت و حقوق انسان، حتی عزت و حقوق دشمنان ما و حامیان دشمنان ما، را از صفوف خود پاک کند.

شیوه‌ی مبارزه ما و برخورد ما با انسان، حتی دشمنان ما و حامیان دشمنان ما، باید تبلیغی از نظام آینده که برای آن مبارزه می‌کنیم باشد.

احزاب، شخصیت‌ها و کنشگران باید این برخوردهای ناشایسته را محکوم و با آن مرزبندی کنند. این افراد را از صفوف جنبش «زن، زندگی، آزادی» بیرون کنند.

من ضمن ابراز انزجار بی‌کران از حکومت فاشیستی اسلامی که مسبب این دوقطبی‌سازی و پیرانگر در جامعه ماست، ضمن درک خشم و نفرت این افراد از رژیم فاشیستی، نسل‌گش، متجاوز و سرکوبگر حکومت اسلامی، با تمام وجود فحاشی، ناسزاگویی، توهین و هتاکی را به‌شدت محکوم می‌کنم و از همه مبارزان و شخصیت‌های خواهان گذار از حکومت اسلامی می‌خواهم این‌گونه رفتار و کردار ضدانسانی را محکوم و با آن مرزبندی کنند و صفوف جنبش براندازی را پاکیزه و سالم نگهدارند.

احد قربانی دهناری

برای مطالعه بیشتر کتاب‌ها

Mower Deborah & Wade L Robison ed. (2017). *Civility in Politics and Education*. UK: Routledge

این کتاب مجموعه‌ای از مقالات است که به بررسی اهمیت تمدن، فرهیختگی و ادب در سیاست و آموزش می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه ناسزا و توهین می‌تواند به تخریب فضای سیاسی، اجتماعی و مدنی منجر شود.

Westen, Drew (2007). *The Political Brain: The Role of Emotion in Deciding the Fate of the Nation*. USA: PublicAffairs

این کتاب به بررسی تأثیرات روان‌شناختی و احساسی بر رفتارهای سیاسی می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه استفاده از زبان منفی و توهین‌آمیز می‌تواند در سیاست تأثیر منفی و برعکس داشته باشد.

مقالات

ناظمی، امیر (۱۴۰۳). جامعه فحش‌زده

<https://t.me/zistboommedia/15300>

در این مقاله آقای ناظمی اشاره‌ای دارد به تاریخچه ناسزاگویی در تاریخ سیاسی دوران معاصر ایران، سپس به چالش توسعه و ناسزاگویی می‌پردازد و نتیجه‌گیری راهبردی ارائه می‌کند.

Jonathan Van't Riet, Aart Van Stekelenburg, *The Effects of Political Incivility on Political Trust and Political Participation: A Meta-Analysis of Experimental Research*, Human Communication Research, Volume 48, Issue 2, April 2022, Pages 203–229,
<https://doi.org/10.1093/hcr/hqab022>

این مقاله به بررسی تأثیر برخوردهای غیرمتمدنانه، بی‌احترامی و ناسزا در سیاست بر اعتماد سیاسی و مشارکت مردم می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه زبان منفی می‌تواند به کاهش مشارکت سیاسی منجر شود.